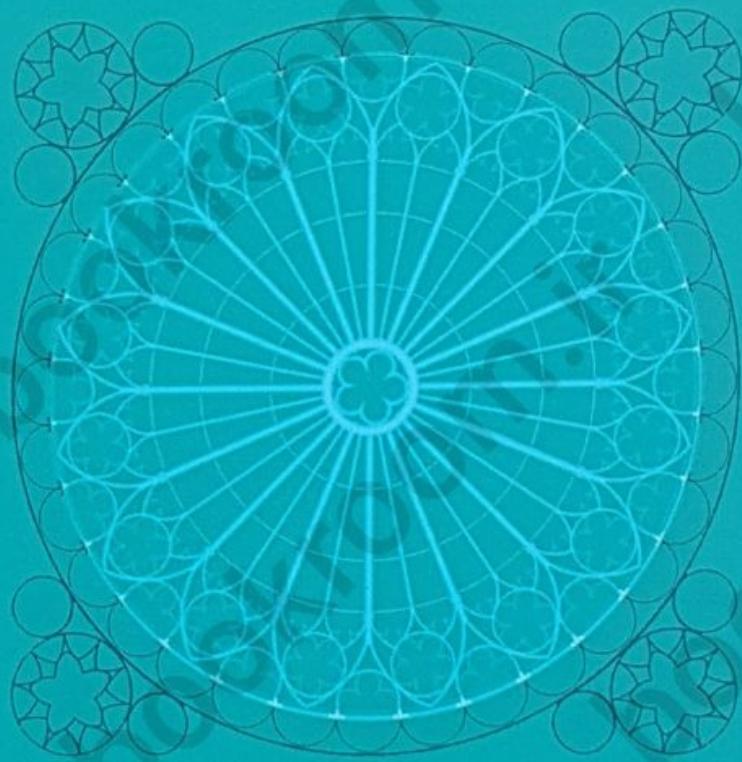


الجعفرية العباسية المقدسة
الخلافة العباسية

درآمدی بر

غرب شناسی انتقادی



مجموعه نویسندهان

درآمدی بر

غرب‌شناسی انتقادی

مجموعه نویسندهان

فهرست مطالب

۹	مقدمه مرکز
۱۵	رویکردهای تمدنی در غرب‌شناسی
۱۶	مقدمه
۱۹	تعریف «غرب» در غرب‌شناسی
۲۱	معنای غرب‌شناسی
۲۲	معنای رویکرد تمدنی در غرب‌شناسی
۲۵	گونه‌های مختلف غرب‌شناسی
۴۸	نتیجه
۵۳	شناخت عینی غرب توسط محقق مسلمان
۵۵	مقدمه
۶۶	چهارچوب ذهنی - زبانی درون‌گرایانه برای شناخت غرب
۷۰	مدل روشی: جامعه‌شناسی تاریخی
۷۷	چهارچوب ذهنی - زبانی برون‌گرایانه به شناخت غرب
۸۲	الگوی روشی نمونه: شرق‌شناسی وارونه
۸۶	چهارچوب ذهنی - زبانی تلفیقی به شناخت غرب
۹۱	الگوی روشی نمونه: پدیدارشناسی تلفیقی
۹۵	نتیجه
۱۰۵	غرب و مسیحیت
۱۰۵	مقدمه

۶ ♦ درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

۱۰۶	مسيحيت؛ دوره باستان و قرون وسطى
۱۰۹	رنسانس
۱۱۲	نهضت اصلاح ديني
۱۱۷	عصر روشنگري
۱۲۱	مسيحيت در دنياي مدرن
۱۲۵	مسيحيت در ایالات متعدد آمریکا
۱۳۰	نتیجه
۱۳۷	اسلام و غرب
۱۳۸	مقدمه
۱۴۱	غرب‌شناسی و ابعاد آن
۱۴۷	غرب‌شناسی در جهان اسلام
۱۵۳	غرب‌شناسی انتقادی در جهان اسلام
۱۶۱	غرب‌شناسی انتقادی، مقاومت و چالش‌ها
۱۶۶	نتیجه
۱۷۳	بحران غرب؛ اخلاق، معنویت و زیست بوم
۱۷۴	مقدمه
۱۷۸	انسان مدرن و بحران تمدن
۱۸۲	الف: بحران اخلاق
۱۸۶	ب: خلاً معنا و معنویت
۱۹۱	ج: بحران طبیعت و زیست بوم
۱۹۵	نتیجه
۲۰۵	غرب و هژمونی استعماری

فهرست مطالب ۷

۲۰۶	مقدمه
۲۰۸	ملاحظات مفهومی در باب هژمونی
۲۱۲	هزمونی غرب و روند استعماری
۲۱۶	مراحل چندگانه هژمونی استعماری با ابتناء بر تجربة تاریخی غرب
۲۱۹	ابزارشناسی هژمونی استعماری غرب
۲۱۹	تحول ابزار استعماری غرب از سخت افزارگرایی به نرم افزارگرایی
۲۲۱	گونه شناسی ابزارهای استعماری
۲۲۱	تسليحات نظامی و نیروی نظامی گری
۲۲۲	رسانه‌های بین‌المللی
۲۲۳	نفوذ فرهنگی و ترویج سبک زندگی غربی
۲۲۴	تحریم‌های همه‌جانبه
۲۲۵	نتایج عملکرد هژمونی استعماری غرب
۲۲۵	ایجاد ترس، ناامنی و منازعه در جامعه جهانی
۲۲۶	عامل عقب‌ماندگی و تثبیت وابستگی کشورهای حاشیه‌ای
۲۲۸	استحاله ارزش‌های دینی
۲۲۹	گسترش منازعات قومی و اقلیت‌ها در کشورهای مختلف
۲۳۰	نسل‌کشی و انهدام سیاسی - مذهبی در سیطره جهانی
۲۳۱	فقر فزاینده و گرسنگی جهانی (ناتوانی ملت‌ها در تأمین نیازها)
۲۳۱	ترویج فساد اخلاقی، فحشاء و بی‌بندوباری
۲۳۲	تخرب چهره‌ی اصیل اسلام ناب محمدی (ص) در افکار عمومی بین‌المللی
۲۳۳	اضمحلال هژمونی آمریکا
۲۳۷	الف. هویت‌های سیاسی رقیب

۸. درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

- ب. همکاری قدرت‌های منطقه‌ای با رویکرد ضد آمریکایی ۲۳۸
- پ. فروپاشی اجماع نخبگان فکری و اجرایی آمریکا پیرامون راهبری جهان ۲۳۸
- ت. از دست دادن بخش‌های پیشروی اقتصاد جهانی ۲۳۹
- ث. بیداری سیاسی ملت‌ها در مقابل عملکرد استعماری غرب ۲۳۹
- ج. از دست دادن برتری نسبی در حوزه‌های راهبردی ۲۴۰
- چ. فرسایش تفوق نظامی برای امکان تحمل اراده به دیگران ۲۴۰
- نتیجه ۲۴۱

مقدمه مرکز

وَلِلَّهِ الْمَشْرُقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلَيْهِ^۱
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ إِنَّمَا
أَكْرَمْنَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاصُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَسِيرٌ^۲

دانش غرب‌شناسی به اقتضای گستره مفهومی و موضوعی، ماهیتی چندرشته‌ای دارد و مستلزم آن است که نظریات و روش‌های اختصاصی اغلب رشته‌های تخصصی علوم و خصوصاً علوم انسانی در آن به کار گرفته شود. دانش‌هایی همچون تاریخ، جغرافیا، فلسفه، الهیات و ادیان، هنر و ادبیات، باستان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، سیاست، حقوق، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی از جمله مهم‌ترین رشته‌ها و رویکردهای تخصصی موردنیاز در این حوزه مطالعاتی است. بر این مبنای، یافته‌های هر یک از این دانش‌ها درباره غرب، به مثابه قطعات جورچین و به تدریج، خواهند توانست چهره‌ای کامل‌تر و معتبرتر از کلیت غرب را ترسیم کنند. گرچه وزن و سهم این دانش‌ها در شناسایی ماهیت و ابعاد غرب یکسان نیست و در پیشینه این مطالعات

۱. البقرة: ۱۱۵.

۲. الحجرات: ۱۳.

۱۰. درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

نیز تاکنون، برخی رویکردها همچون بررسی‌های فرهنگی و فلسفی و یا مطالعات تاریخی و سیاسی غلبه داشته است. در این باره چند نکته وجود دارد:

۱. با این‌که تقلیل اهداف و غایات مطالعات غرب‌شناسی به صرف «غرب‌ستیزی» و یا «دشمن‌شناسی» مطلوب نیست، اما کارنامه مواجهه غرب با شرق، چه در گذشته و چه هم‌اکنون، آکنده از انواع ظلم و تعدی و تجاوز و فساد و خونریزی و غارت و تخریب است و بیراه نیست اگر غرب در نگاه شرق، همچنان همراه با حس ناامنی و تهدید و حتی انتقام‌جویی باشد. با این‌همه، غلبه مطلق و تعییم چنین نگاهی در شناسایی همه ابعاد غرب، سبب نادیده گرفتن و نشناختن بخشی از واقعیت‌های غرب خواهد بود. میراث و موجودیت غرب - با همه جهات سلبی که در مواجهه با ما داشته و دارد - در کارنامه خویش، خالی از حسنات و خدمات نیست و مشتمل بر بخش مهمی از سرمایه گران‌بهای تجربه و اندیشه‌های بشری در عرصه‌های گوناگون است.

۲. غرب‌شناسی برای ما مسلمانان به معنای واقعی کلمه دارای اهمیت و ماهیتی «راهبردی» است. چه این‌که تمام مؤلفه‌ها و زمینه‌های «رقابت» تمام‌عيار و نزع نفس‌گیر و همه‌جانبه در مواجهه ما و غرب مهیاست. بدون شناسایی «تهدید»‌ها و «فرصت»‌های واقعی در مواجهه با غرب، نخواهیم توانست «راهبرد»‌های مؤثری در این صحنه رقابت داشته باشیم و بدیهی است که در چنین شرایطی، «چشم‌انداز» روشنی برای پیروزی و کامیابی در انتظارمان نخواهد بود. نگاهی گذرا به پیشینه تجربه‌های ما برابر غرب به روشنی گواه این مدعاست.

۳. غرب سال‌هاست که دیگر محدود به حدود موطن و خواستگاه جغرافیایی خویش نمانده است. امروزه استیلا و سیطره غرب بهویژه در ابعاد معرفتی و فرهنگی پدیده‌ای جهان‌شمول است. آن‌گونه که کمتر گوشه‌ای از ابعاد حیات فردی و اجتماعی ساکنان مشرق زمین را می‌توان یافت که مبانی یا مظاهر فکر و فرهنگ غرب بر آن سایه نینداخته باشد یا موجب استحاله و تغییرات ماهوی و بنیادین نشده باشد. کار بدان جا رسیده که گویی باید رگه‌های اصالت و سلامت را از زیر خروارها خاکستر، بازشناسی و بازیابی کنیم و از این رگه‌ها، بهسوی معادن و سرچشمه‌های فکر و فرهنگ اصیل راه یابیم. در چنین وضعیتی، غرب، صرفاً «آن دیگری» نیست و غیریست، تا حد زیادی از میان برخاسته است. هم‌اکنون غرب‌شناسی برای ما، به معنای واقعی، گونه‌ای «خودشناسی فرهنگی» هم هست.

۴. افق مطالعات و آینده مواجهه ما با غرب، نمی‌تواند محدود به کارکردهای آسیب‌شناسانه و انتقادی و یا موضع‌گیری‌های دفاعی یا انفعالی باقی بماند. چراکه نقشه راه آینده بشر بر اساس سنت‌های الهی، تحقق زمینه‌های اقامه قسط و عدل و تمهید شرایط حیات طبیه انسانی و فعلیت یافتن ظرفیت‌ها و استعدادهای همه جانبه مادی و معنوی بشر در مسیر تعالی است. از لوازم حرکت در مسیر چنین چشم‌اندازی، تدوین و ارائه الگوهای نظری جایگزین و بازسازی ساختارها و نظامهای اجتماعی و فرهنگی با رویکردهای تمدنی و اصلاحی بر اساس مبانی اصیل اسلامی و الهی است. این سطح از مواجهه ما و غرب، از تقابل و تنابع در مراحل اولیه عبور کرده و

۱۲ ♦ درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

در گام‌های بعدی و در سطوحی عمیق‌تر، ماهیتی از جنس تعامل و هم‌افزایی سازنده خواهد یافت.

شاید بتوان شرق و غرب را در عوالم معنا نیز اعتبار کرد و بر فراز مرزهای زمان و مکان تاریخی، به تأویل و تأملی به‌مثابه «غرب‌شناسی معنوی» و هم «شرق‌شناسی معنوی» نیز پرداخت. شرق معنوی، به معنی آنجا که خورشید حقیقت و هدایت برآمده است و نورافشان و جانبخش است و غرب معنوی، آن تبعیدگاه دورافتاده‌ای که نور خورشید حقیقت در آن کم‌فروغ و رو به افول است. آیا ما انسان‌ها و ساکنان زمین، فارغ از مرزها و نام‌های اعتباری، درواقع امر، هم‌اکنون شهر وندان کدام سرزمین هستیم؟ آنجا که در غیاب و غروب خورشید هدایت، نایینایی و غفلت و گمراهی است و جز خودخواهی و زیاده‌طلبی ولذت‌جویی و عنان‌گسیختگی و تباہی و پوچی دستاوردی نیست؟ یا آنجا که در پرتو نور، آثار امنیت و ایمان و طمأنیه و انسانیت و رحمت و قرب به حقیقت قابل مشاهده است؟ ما اهل کجاییم؟ کارنامه انسان امروز، مظهر تام و تمامی است از انانیت و با تمام وجود، فانی در شیاطین شهوت و نفسانیات. بخت‌برگشته و دورافتاده از بهشت قرب در دوزخ هجران. به این تقریر، آری؛ غرب، «سيطره نفسانیت» است و خودخواهی، «غرب‌زدگی» است. همه ما در شرق و غرب زمین، غریبانی غرب‌زده‌ایم و چشم‌انتظار طلوع.

مجموعه مقالات حاضر ذیل عنوان کلی «درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی»، تلاشی مقدماتی است برای تأمل در برخی پرسش‌ها و چالش‌های مهم در مواجهه ما

با غرب. موضوعاتی همچون ملاحظات روش‌شناختی در غرب‌شناسی، رویکردهای تمدنی در غرب‌شناسی، مناسبات غرب معاصر و مسیحیت، مواجهه اسلام و غرب، بحران‌های معنوی و اخلاقی غرب و هژمونی استعماری غرب، از جمله مباحثی هستند که به قلم تعدادی از پژوهشگران متخصص در این حوزه به نگارش درآمده است.

امیدواریم این گام‌های نخستین بتواند زمینه‌ساز و راهگشای پژوهش‌های تکمیلی و گام‌های بعدی باشد. لازم است از مساعدت و همکاری نویسندها محترم مقالات، صمیمانه سپاسگزاری نماییم. همچنین از پیگیری‌ها و مساعدت‌های کلیه همکارانی که در تدوین و انتشار این مجموعه مشارکت داشته‌اند، بهویژه دکتر محمدحسین کیانی مدیر محترم گروه غرب‌شناسی، دکتر محمدرضا لایقی دبیر محترم گروه و همچنین جناب آقای محمدعلی شریف عسکری مسئول محترم امور اداری و پشتیبانی مرکز، سپاسگزاریم.
وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

سید محسن موسوی

مدیر المركز الإسلامي للدراسات الإستراتيجية، دفتر قم

شهریور ۱۴۰۰ / محرم الحرام ۱۴۴۳

رویکردهای تمدنی در غرب‌شناسی

حبيب الله بابائی^۱

چکیده

در مطالعات غرب‌شناسی آثار مختلفی با رویکردهایی عمدتاً فلسفی، سیاسی و تاریخی نوشته شده است. آن‌چه در رویکرد تمدنی به غرب هم نوشته شده، بیشتر تاریخ - تمدنِ غرب آن‌هم از سوی نویسنده‌گان اروپایی و آمریکایی بوده است و نه تحلیل تمدنی از وضعیت معاصر غرب از جانب محققان مسلمان غیرغربی. آن‌چه در این مقاله بدان خواهیم پرداخت جستجوی توصیفی و تحلیلی از مطالعات تمدنی غرب در جهان اسلام است، تا اولاً به نوعی از جریان‌شناسی غرب‌شناسی‌ها با رویکرد تمدنی در دنیای کنونی اسلام پردازیم و ثانیاً به مستله‌های متفاوت تمدنی در این نوع

۱. حبيب الله بابائی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دانش‌آموخته حوزه علمیة قم و فارغ‌التحصیل رشته تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران در مقطع دکتری است. او اکنون ریاست پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی را بر عهده دارد. بابائی به مطالعات تمدنی و غرب‌شناسی علاقه دارد. از ایشان تا کنون چندین کتاب و بیش از سی مقاله علمی در موضوع الهیات، مباحث تمدنی، اجتماعی و غیره به چاپ رسیده است.

۱۶ ♦ درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

از غرب‌شناسی اشاره کنیم. این مقاله علاوه بر توجه به نوشه‌های غرب‌شناسانه‌ای که از سوی محققانی مانند مالک بن‌نبی (*الصراع الفكري في البلاد المستعمرة*، علی شریعتی (ویژگی‌های قرون جدید)، حسین نصر (اسلام و تنگناهای انسان متجلد)، عبدالوهاب المسیری (*الفلسفة المادية و تفكيك الإنسان*)، طه عبدالرحمن (مساهمة في النقد الأخلاقى للحداثة الغربية)، إدوارد سعید (شرق‌شناسی)، سمير أمين (نحو نظرية للثقافة، نقد التمركز الأوروبي والتمركز الأوروبي المعكوس)، ساشادینا (روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب) و حسن حنفی (مقدمه في علم الاستغراب) ارائه شده، تلاش می‌کند به پیشنهاد چارچوبی تمدنی در شناخت غرب نیز بپردازد. در این پیشنهاد، علاوه بر «غرب‌شناسی تاریخی - تمدنی» و ضرورت دوره‌بندی‌های تاریخی غرب که بخشی از غرب‌شناسی تمدنی را شامل می‌شود، و علاوه بر «غرب‌شناسی موضوعی - تمدنی» و تأکید بر عناصر مرکزی و اصلی در صورت‌بندی تمدن غرب، به «غرب‌شناسی انتقادی - تمدنی» و نقدهای کلان از تمدن غرب امروز نیز اشاره خواهد شد و آنگاه با تجمعیع این سه نوع از غرب‌شناسی در سطح تحلیل کلان، به رویکرد تمدنی در شناخت تمدن غرب خواهیم پرداخت.

مقدمه

مطالعات مربوط به غرب، تاریخ غرب، تاریخ اندیشه غرب، تاریخ تمدن غرب، تاریخ مدرنیته، و آنگاه تاریخ قرن بیستم و آن‌چه که در دنیای کنونی غرب در جریان است، نوعاً در خود غرب و از سوی محققان و مؤسسات غربی رخداده و دنیای اسلام

در این میان کاری تأسیسی و تحقیقی در خوری به انجام نرسانده است. به بیان دیگر فارغ از هرگونه رویکرد تاریخی، اجتماعی، فلسفی و تمدنی از غرب، اساساً شناخت غرب امروز متوقف بر شناخت آثاری است که خود غربی‌ها در مورد خودشان نوشته‌اند. ملت‌های شرقی نه فقط در شناخت هویت شرقی خود به دنیای غرب وابسته شده‌اند، بلکه در شناخت جهان غرب و حتی نقد آن نیز دست نیاز به دنیای غرب دراز کرده‌اند. بدین‌سان طبیعی است که شناخت غرب، شناخت تمدنی از غرب، و شناخت انتقادی از غرب نیز نه از منظر اسلامی و حتی نه از منظر انسان شرقی، بلکه از منظر انسان غربی و تفکر مدرن صورت یافته باشد. به بیان روشن‌تر ما در شناخت غرب و بلکه گاه در نقد غرب دچار نوعی از غرب‌زدگی هستیم. نوشه حسین نصر در این باره قابل توجه است. وی در کتاب جوان مسلمان و دنیای متجدد در باره نبود رویکرد بومی و اسلامی در شناخت غرب در جهان اسلام چنین می‌نویسد:

بخش اعظم جهان اسلام هنوز فاقد دانش و درک عمیق از غرب است در حالی که عمیقاً از انواع آراء و اندیشه‌ها و محصولات و مظاهر و اقدامات جهان غرب، از اتومبیل گرفته تا کامپیوترا و از سینما گرفته تا ادبیات یا از آراء فلسفی تا اقتصاد، تأثیر گرفته است. امواج آراء و ارزش‌های غربی هم‌چنان بی‌وقفه از طریق رسانه‌های جمعی موجود نیست اطلاع درباره غرب یا مسلمانی نیست که با غرب در تماسند، بلکه درک و دانشی از ریشه‌های فرهنگ و آراء و اندیشه‌های جهان غرب از یک نقطه‌نظر اسلامی است، و تنها چنین درک و دانشی می‌تواند ابزارهای ضروری مواجهه و مقابله با

معارضه‌های غرب جدید و تدارک پاسخی اسلامی به آن را در اختیار مسلمین بگذارد (نصر، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

اکنون آن‌چه که ما در این مقاله دنبال می‌کنیم، پرداختن به گوشه‌ای از مسنله‌های غرب‌شناسی ما و بررسی و تحلیل رویکردهای تمدنی در شناخت از جهان غرب است. تأمل در وضعیت شناخت ما از غرب و گونه‌های شناختی که ما نسبت به غرب داریم، راهی خواهد بود برای خودآگاهی نسبت به ضعف‌ها و دشواری‌های ما در مواجهه با غرب، تمدن غرب، نقد غرب و آنگاه تنظیم و تغییر مناسبات هژمونیک جهان غرب در مقابل دنیای اسلام. آن‌چه در این مقاله می‌آید درآمدی است به انبوی نوشته‌های قدیم و جدید در باب غرب، و آنگاه غرب‌بال رویکردهای تمدنی در شناخت غرب، و سپس جستجو از رویکردهای اسلامی - تمدنی در شناخت و نقد غرب.

شایان ذکر است که مسلمانان در مواجهه با غرب دو دوره را پشت سر گذاشته‌اند:

(الف) دوره فهم تمدن غرب بی‌آن‌که از اندیشه‌ها و تصورات غربی تأثیری پذیرفته باشند. این تأثیرناپذیری در این دوره (عصر ترجمه) به موجب اعتماد به نفس مسلمانان و قدرت معرفتی و روشی آنان بوده است؛ و (ب) دوره ترس از غرب، ترس از اندیشه و عمل غرب که هم‌زمان با عقب‌ماندگی مسلمانان و توأم با فقدان خلافت اسلامی و تفوق و غلبه غرب در زمینه علوم و اکتشافات بوده است. مسلمانان در مواجهه دوم با غرب، دو حرکت متفاوت را به لحاظ عقلی آغاز کردند: (الف) حرکت عقل ترسان که در دو مسیر ۱. هشدار نسبت به غرب‌زدگی (رشیدرضا، جلال آل‌احمد)، و ۲. مقاومت و حفظ هویت در مقابل دیگری (محمد عبده، احمد عزت

پاشا و یا محمد اقبال لاهوری) پیش می‌رفت؛ و ب) حرکت عقل تغییر و تحویل که آن نیز در دو مسیر رشد کرد: ۱. وفق دادن آورده‌های تمدنی غرب با مبادی اسلامی (مانند طهطاوی)؛ ۲. مسیر نقل و اقتباس یا غربی‌سازی (مانند طه حسین، اسماعیل مظہر، نامق کمال، مدحت پاشا، و رضاخان). از نظر حسان عبدالله حسان، در نیمة دوم از قرن بیستم مسیر دیگری در مواجهه با تفکر غربی ظاهر گشت که مبتنی بر شروع از خود و شروع از انگیزه‌های درونی بوده است که برای دستیابی به نوعی از تبصر و بصیرت تمدنی شکل گرفته است (مرتضی مطهری، محمدحسین طباطبائی، محمدباقر صدر، علی شریعتی، اسماعیل فاروقی، مراد هوفمان، و منی ابوالفضل). این نگاه نه بر ترس، نه بر تتفیق و تطبیق با تفکر و تمدن غرب، بلکه بر نگاهی تمدنی استوار بوده است. در نگاه تمدنی سه عنصر مهم بوده است: نگرش انتخابی به دیگران، تأکید بر خود و ضرورت شروع از خود، و احیاء جایگاه تمدنی خود.

تعريف «غرب» در غرب‌شناسی

هرچند در شناخت غرب باید تاریخ غرب قدیم و غرب باستان را نیز در نظر گرفت، لیکن در این مقاله تأکید بر شناخت غرب جدید بعد از رنسانس است. همین‌طور هرچند منظور از غرب، بیشتر غرب فرهنگی و تمدنی است، لیکن ابعاد فرهنگی و تمدنی غرب در جغرافیای مشخصی تجلی بیشتری داشته است که مصاداق کامل آن را می‌توان در اروپای غربی و آمریکای شمالی جستجو کرد. از این رو مصادیق عینی غرب‌شناسی، جوامع و بلاد واقع در اروپای غربی و آمریکای شمالی خواهد بود.

۲۰ پژوهش درآمدی بر غرب‌شناسی انتقادی

البته ناگفته نماند که تمدن غرب همچون همه تمدن‌های دیگر یک مرکز و یک پیرامون دارد، و پیرامون هر تمدنی در واقع قلمرو اعتبار تمدنی است که هر تمدنی می‌تواند در خارج از مرزهای تمدنی خود، پرستیز تمدنی خود را گسترش داده و برای خود اعتبار و مرجعیتی ایجاد بکند. مرکز هر تمدن (مثلًاً نیویورک) قلمرو یقینی و حداقلی آن تمدن (مثل تمدن غرب)، و حاشیه و پیرامون آن تمدن (مثل ژاپن) قلمرو طیفی و تشکیکی و گاه حداقلی تمدنی همچون تمدن غرب به حساب خواهد آمد.

بدین‌سان نوعی دیگر از غرب‌شناسی وجود دارد که بر غرب آمده به شرق تمرکز می‌کند. در این نگاه به «غرب آمده به شرق»، تکنولوژی در جهان اسلام با تکنولوژی در غرب تفاوت‌هایی دارد،^۱ طب مدرن در دنیای عرب با طب مدرن در آمریکا فرق می‌کند، نظریه تکامل داروین در کشورهای اسلامی نظریه است ولی همین نظریه در

۱. در این مورد حسین نصر حکایتی را بیان می‌کند که تکنولوژی آمده به ایران را در تفاوت با تکنولوژی مانده در غرب مورد اشاره قرار می‌دهد. من (نصر)، ایوان ایلیچ را در دهه ۱۹۷۰ به ایران دعوت کردم و چلسمه‌ای هدفمند ترتیب دادم که شامل چند تن از مسئولان عالی رتبه کشور از وزارت اقتصاد ملی، وزارت صنایع و... بود که مسئول فعالیت‌های مختلفی بودند که به تکنولوژی نیاز داشت. ایوان ایلیچ برای آن در باره اهمیت تکنولوژی‌های سنتی و مقایسه‌شان با تکنولوژی‌های مدرن صحبت کرد. او سرویس‌های بهداشتی را مثال زد و گفت اگر تمام مردم آسیا و آفریقا همان سرویس‌هایی را داشته باشند که مردم جوامع صنعتی در غرب دارند، آنگاه سیستم آبی بسیاری از مناطق زمین از بین خواهد رفت. همه حیرت‌زده شدند. آن‌ها همه مدیران ایرانی با تحصیلات بالا بودند، برخی در سطح وزارت‌خانه با مدارج عالی از بهترین دانشگاه‌های غربی و دقیقاً بهمین دلیل، کمترین توجهی به گفته‌های ایلیچ نکردند (نصر، ۱۳۹۰: ص ۱۰۳).

A Critical Introduction to
Occidentalism

مجموعه مقالات حاضر تلاشی مقدماتی است برای تأمل در برخی برسش‌ها و چالش‌های مهم در مواجهه ما با غرب. موضوعاتی همچون ملاحظات روش‌شناسی در غرب‌شناسی، رویکردهای تمدنی در غرب‌شناسی، مناسبات غرب معاصر و مسیحیت، مواجهه اسلام و غرب، بحران‌های معنوی و اخلاقی غرب و هزمونی استعماری غرب. از جمله مباحثی هستند که به قلم تعدادی از پژوهشگران متخصص در این حوزه به نگارش درآمده است.

